



محسن پاک آئین
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

با توجه به اینکه دست‌اندر کاران و رسانه‌های رژیم غاصب به دنبال مظلوم‌نمایی و متهم کردن مجاهدین فلسطین به آغاز جنگ هستند، در ارتباط با روند افزایش جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم مظلوم فلسطین در ماه‌های اخیر که موجب واکنش گروه‌های مقاومت شد، مراتب زیر قابل توجه است. پس از حضور مجدد بنیامین نتانیاهو در جایگاه نخست‌وزیری اسرائیل، با توجه به سابقه جنایات او علیه مردم فلسطین، پیش‌بینی می‌شد که دیدگاه‌های افراطی به‌خصوص در مورد تداوم ساخت شهرک‌های صهیونیستی و همچنین هتک حرمت به قدس شریف، موجب تشدید خشم و ناراضیاتی مسلمانان فلسطین و واکنش گروه‌های مقاومت شود. نتانیاهو در دوره قبلی نخست‌وزیری و در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ، عامل اصلی تصمیمات افراطی کاخ سفید از جمله انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس و طرح معامله بزرگ قرن بود. البته شکست این طرح و عدم استقبال کشورهای جهان از انتقال سفارت خود به بیت‌المقدس، از ناکامی‌های نتانیاهو حکایت داشت. اقدامات موهن و تحریک‌آمیز نتانیاهو در دوره جدید نخست‌وزیری نیز با ورود بن‌گویر، وزیر امنیت داخلی رژیم اشغالگر به مسجد الاقصی و هتک حرمت آن با خشم گسترده مردم فلسطین و مسلمانان جهان مواجه شد. یکی از دلایل اصلی اقدامات افراطی نتانیاهو در اعمال فشار بر مردم فلسطین، انحراف افکار عمومی از مشکلات داخلی اسرائیل به‌ویژه در حوزه اقتصادی و پرونده فساد مالی او بود. اقدام افراطی نتانیاهو باعث شد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اکثریت آرا، نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه را درباره ماهیت اشغالگری اسرائیل در سرزمین فلسطین، مطالبه کند. در این رای گیری، کشورهای مسلمان و حتی عرب‌هایی که وارد روند عادی سازی با تل‌آویو شده بودند، به نفع فلسطین رای دادند. جنایت بعدی اسرائیل در ماه‌های اخیر در تاریخ ۱۳ تیر ۱۴۰۲، حمله وسیعانه به اردوگاه پناهندگان جنین بود که به عنوان مصداق بارز «جنایت جنگی جدید» شناخته شد. اردوگاه آوارگان فلسطینی در شهر جنین در شمال کرانه باختری واقع شده و از سال ۱۹۵۳ برای اسکان فلسطینیانی که در جریان و پس از جنگ ۱۹۴۸ فلسطین از خانه‌های خود فرار کرده یا رانده شدند، تأسیس شده بود. این اردوگاه دارای تراکم جمعیت بالایی است و پناهندگان در آنجا به دلیل محدودیت‌های اعمال شده از سوی اسرائیل، با شرایط سخت، زندگی می‌کنند. این حملات بیش از ۱۸ ساعت به‌صورت هوایی و زمینی و با حضور بیش از هزار نظامی صهیونیست علیه آوارگان بی‌دفاع، انجام شد. جنایات رژیم محکوم و از رژیم صهیونیستی خواسته مردم فلسطین و مسلمانان جهان با واکنش‌های بین‌المللی مواجه شد تا حدی که آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد نگرانی عمیق خود را از عملیات نظامی در جنین ابراز و خواستار رعایت کامل حقوق بشر در عملیات نظامی شد. سخنگوی آقای گوترش هم در واکنش به حملات پهنپادی اسرائیل به آوارگان جنین گفت حملات مسلحانه در مناطق پرجمعیت قابل پذیرش نیست. حملات به روزنامه‌نگاران در کرانه باختری اشغالی، از جمله شهادت شیرین ابوعاقله، خبرنگار الجزیره از دیگر جنایات رژیم اشغالگر در ماه‌های اخیر بود که از سوی گزارشگران بدون مرز (RSF) نیز محکوم و از رژیم صهیونیستی خواسته شد تا به حملات «سیستماتیک» خود علیه خبرنگاران فلسطینی پایان دهد. در این روند جنایتکارانه، سربازان اسرائیلی با محاصره گروه‌های رسانه‌ای، تیراندازی به خبرنگاران و مصادره تجهیزات آنان، مانع انتشار اطلاعات دقیق می‌شدند. اصرار نتانیاهو بر نادیده گرفتن موازن بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، با ادامه شهرک‌سازی در مجاورت مناطق فلسطینی‌نشین، یکی دیگر از علل خشم مردم فلسطین علیه رژیم جعلی اسرائیل بود. انزجار عمومی مردم فلسطین از اقدامات سخیف نتانیاهو در همان روزهای اول نخست‌وزیری، خشم مسلمانان جهان را هم در پی داشت و بر اساس نتایج یک نظرسنجی در ۱۵ کشور عربی که توسط مرکز مطالعاتی قطر منتشر شد، ۸۴ درصد شرکت‌کنندگان مخالفت خود را با عادی سازی روابط با اسرائیل اعلام کردند که در برخی از این کشورها مانند الجزایر و موریتانی، میزان مخالفت ۹۹ درصد بود. اعمال محدودیت تنزی برای ورود نمازگزاران به مسجد الاقصی و حمله به نمازهای جمعه در این مسجد، تداوم حملات پراکنده به مردم غزه، ویران کردن خانه‌ها، حمله به غیر نظامیان به‌خصوص زنان و کودکان و موارد مشابه از علل اصلی افزایش خشم مردم و مطالبه از گروه‌های مقاومت برای نشان دادن واکنش در مقابل این مظالم بود. مردم غزه و گروه‌های مقاومت چاره دیگری جز طراحی برای عملیات برق‌آسا و فلج‌کننده علیه رژیم جنایتکار نداشتند و به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب در بیانات خود خطاب به ستمگران رژیم غاصب گفتند: «ای ستمگران صهیونیست! مقصد خود شما هستید؛ عامل این طوفان خود شما هستید؛ خودتان بالا را بر سر خودتان آوردید. یک ملت غیر از واکنش غیورانه و شجاعانه در مقابل این چنین دشمنی، هیچ راهی ندارد.» بدون تردید، عملیات پیروزمندانه و بی‌سابقه مجاهدین فلسطین تحت عنوان «طوفان الاقصی» در دفاع از حقوق مسلم و انکارناپذیر خود بوده و واکنش منطقی نسبت به جنایات مکرر صهیونیست‌هاست. این عملیات با مقاومت ضعیف اقدام بیپهوه عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی ثابت کرد که در سایه مقاومت، تشکیل دولت فلسطینی و آزادی قدس شریف امکانپذیر خواهد بود.

فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تورم

از شکل متعارف خود خارج شده است

تورم، بازی اقتصاد را به قمار تبدیل کرده است

کاهش تورم نیازمند داشتن استراتژی راهبردی در سیاست خارجی است

وقتی که تورم در یک کشوری بیش از ۵۰ سال تداوم پیدا می‌کند معنایش این است که ما با یک مساله ساختاری روبه‌رو هستیم. بنابراین با دستکاری‌های صرفاً اقتصادی محل است بشود این را حل و فصل کرد. در چنین شرایطی ابتدا باید یک اراده سیاسی وجود داشته باشد. به همان تناسب که این مساله باید در حیطه سیاسی حل و فصل بشود و بعد در حیطه اجتماعی، اعتماد فرودستان و تولیدکننده‌ها باید ترمیم شود. این مساله همچنین جوهر سیاسی و بین‌المللی هم دارد

تورم را تعریف کرده‌اند چطور یک گور برای دفن کردن یک اقتصاد تدارک می‌بینند. نکته چهارمی که کینز مطرح می‌کند این است که می‌گوید هیچ عرصه‌ای از حیات جمعی مصون از بحران نخواهد بود. یعنی تورم وقتی از حدودی فراتر می‌رود و دوره زمانی‌اش از حدودی طولانی‌تر می‌شود، همه عرصه‌های حیات جمعی را دچار بحران می‌کند. بحران زیست محیطی ما دست کمی از سایر بحران‌ها ندارد.

در چنین شرایطی چه باید کرد؟

باید مشاهده کرد بر اساس چه ترندهایی به‌نام علم و سیاست اقتصادی، برنامه‌هایشان را توجیه می‌کنند و خودشان هم می‌دانند که مساله این نیست. مثلاً تئوری اقتصادی را به ایدئولوژی تبدیل می‌کنند و وقتی این اتفاق افتاد دیگر خرد و دانایی و واقعیت‌های اثبات شده، انکار می‌شود. خیلی جالب است که مثلاً می‌گویند تورم در بلندمدت منحصرًا یک پدیده پولی است چون این بازی‌ها حتی در کشورهای صنعتی هم تجربه شده اگر واقعاً قرار بر این باشد که اراده اصلاح شکل بگیرد ما اینها را برای امیدبخشی مطرح می‌کنیم که بگوییم که حساب و کتاب‌ها روشن است. بنابراین اگر می‌بینیم در ایران هم گاهی بدیهی‌ترین واقعیت‌های محرز شده انکار می‌شود. این حساب و کتاب‌هایش در تجربه جهانی مشخص شده است. فقط آن اراده باید وجود داشته باشد تا ما بتوانیم از این وضعیت اقتصادی نجات پیدا کنیم. مثلاً یکی از مواردی دیگری که در این مناسبات مرتباً مطرح می‌شود ترساندن بخش‌های سالم و باشراف ساختار قدرت از نقش دستمزد در تورم است. بیش از دو دهه است که تیپلور استاد ممتاز دانشگاه‌ام‌ای تی می‌گوید در شرایطی که نابرابری شدید در قدرت و ثروت وجود داشته باشد ما با امتناع تورم جاذبه تقاضا روبه‌رو می‌شویم. یعنی کسی که دغدغه نان دارد و ابتدایی‌ترین نیازهای خودش را نمی‌تواند تأمین کند، نمی‌تواند نیروی محرکه شوک تقاضا باشد. وقتی توزیع قدرت به طرز غیرعادی بالا باشد تورم خصلت ساختاری پیدا می‌کند. دقت کنید ببیند او هم از تورم در شرایط نابرابری به عنوان یک مساله ساختاری نام می‌برد. بعد می‌گوید در تورم ساختاری چون شکاف معنی‌دار توزیع قدرت و ثروت وجود دارد، اکثریت مردم با محدودیت شدید قدرت خرید روبه‌رو هستند. بنابراین آن کاری که نشو کلاسیک‌های وطنی در ایران می‌کنند و می‌گویند فقط این عامل و نه چیزهای دیگر چقدر می‌تواند دور از ذهن باشد، نگاه کنید که از نظر تئوریک می‌گویند به شرط افزایش دستمزد می‌تواند منشاء تورم باشد که قدرت خرید افراد متناسب با رشد نقدینگی افزایش یابد. اگر این تناسب وجود نداشته باشد به شکل حقیقی اصلاح افزایش تقاضایی در اثر افزایش دستمزدی رخ نمی‌دهد. افزایش دستمزدهای فعلی جز در موارد استثنایی، بخش کوچکی از قدرت از دست رفته مزدبگیران را جبران می‌کند. پس نسبت دادن خطر جاذبه تقاضا در این شرایط از اساس بی‌معنی است.

آرمان ملی – احسان انصاری: «باید مشاهده کرد بر اساس چه ترندهایی به‌نام علم و سیاست اقتصادی، برنامه‌هایشان را توجیه می‌کنند و خودشان هم می‌دانند که مساله این نیست. مثلاً تئوری اقتصادی را به ایدئولوژی تبدیل می‌کنند و وقتی این اتفاق افتاد دیگر خرد و دانایی و واقعیت‌های اثبات شده، انکار می‌شود. خیلی جالب است که مثلاً می‌گویند تورم در بلندمدت منحصرًا یک پدیده پولی است چون این بازی‌ها حتی در کشورهای صنعتی هم تجربه شده اگر واقعاً قرار بر این باشد که اراده اصلاح شکل بگیرد ما اینها را برای امیدبخشی مطرح می‌کنیم که بگوییم که حساب و کتاب‌ها روشن است. بنابراین اگر می‌بینیم در ایران هم گاهی بدیهی‌ترین واقعیت‌های محرز شده انکار می‌شود. این حساب و کتاب‌هایش در تجربه جهانی مشخص شده است.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر فرشاد مومنی، اقتصاددان در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. مومنی در این گفت‌وگو به مهم‌ترین دلایل تورم و ادامه آن در اقتصاد ایران پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

اگر حساب و کتابی در مملکت باشد بر ملا کردن ترندهایی که به‌نام بازارگرایی در ایران در جهت توجیه این مناسبات مافیایی و رانتی صورت می‌گیرد اصلاً کار دشواری نیست. وقتی معلوم می‌شود مساله اقتصاد ایران ساختاری است و نیاز به راه حل ساختاری دارد معلوم می‌شود که همه در اصلاح‌ها مناسبات سهم و مسئولیت دارند و علاوه بر متغیران و اندیشه ورزان حتی هنرمندان هم در این زمینه مسئولیت دارند و همه باید در این چارچوب برای خودشان مسئولیت تعریف کنند، چون زور آن الیگارش‌ها و مافیاهای حدود متعارف فراتر رفته و بنابراین این یک ماجرای بسیار پیچیده است.

چگونه می‌توان در این زمینه کنش‌گری کرد؟

در این زمینه می‌توان به استدلال‌های کینز توجه کرد. تمام استدلال‌های کینز بدون استثناء قابل ردگیری است. اولین نکته که کینز می‌گوید این است که تورم، بازی اقتصادی را به قمار تبدیل می‌کند که فقط ثروتمندان در آن برنده می‌شوند. دومین نکته که می‌گوید این است که وجه اجتماعی مساله را برجسته می‌کند و می‌گوید تورم موجب بی‌اعتبار شدن همه قراردادهای می‌شود، بنابراین از صد سال پیش متفکران اقتصادی گفته‌اند که اگر سیستمی نسبت به تورم را کردن سیاست هایش احساس نفع می‌کند دیگر وقتی که ارجاع به قانون می‌دهد خود را مضحکه می‌کند، چون همه قراردادهای متزلزل شده‌اند. پدیده صدور چک‌های بلامحل یکی از نشانه‌های این پدیده است. پدیده افزایش طلاق هم از این جهت قابل توجه است. وقتی کینز می‌گوید همه قرار دادهایی اعتبار می‌شوند آنهايي که در ساختار قدرت اهل فهم هستند باید به معنی گسترده این مساله در حیطه فرهنگ و مناسبات اجتماعی و سیاست و اقتصاد دقت بایسته داشته باشند. این در ذخیره دانش اقتصاد موجود است. استدلال سومی که کینز مطرح می‌کند این است که حساسیت‌هایتان را راجع به تورم به اندازه اهمیتش بالا ببرید. او می‌گوید تورم نیروی محرکه همه انواع نابرابری‌هاست. وقتی نابرابری‌ها از حدودی فراتر می‌رود همه عرصه‌های حیات جمعیت دچار عدم تعادل می‌شوند. نگاه کنید که همان قدر که الان فقرا و محرومین احساس نااطمینانی دارند ثروتمندان اگر بیشتر احساس ناامنی نداشته باشند کمتر هم ندارند و نشانه‌اش را شما می‌توانید در این برج و باروهای چند لایه و سیستم‌های قفل در چیزهای عجیب و غریب در برخی مناطق ببینید. در شرایطی که نابرابری‌های ناموجه از حدود متعارف فراتر می‌رود هیچ‌کس امنیت نخواهد داشت. نه ثروتمندان و نه گروه‌های فرودست. این حرف‌ها را کینز می‌زند که منجی نظام سرمایه‌داری است و فقط می‌خواهد بگوید که آنهایی که نفع خودشان را در سیاست‌های

در شرایطی که انتظار می‌رفت تورم در دولت رئیسی کاهش پیدا کند اما در عمل چنین اتفاقی رخ نداد. چرا دولت نتوانسته تورم را مهار کند؟

وقتی که تورم در یک کشوری بیش از ۵۰ سال تداوم پیدا می‌کند معنایش این است که ما با یک مساله ساختاری روبه‌رو هستیم. بنابراین با دستکاری‌های صرفاً اقتصادی محال است بشود این را حل و فصل کرد. در چنین شرایطی ابتدا باید یک اراده سیاسی وجود داشته باشد. به همان تناسب که این مساله باید در حیطه سیاسی حل و فصل بشود و بعد در حیطه اجتماعی، اعتماد فرودستان و تولیدکننده‌ها باید ترمیم شود. این مساله همچنین جوهر سیاسی و بین‌المللی هم دارد. اگر ما یک فرمان‌راهبردی در عرصه‌های سیاست داخلی و سیاست خارجی نداشته باشیم به هیچ وجه از طریق اقتصاد به تنهایی چیزی مثل تورم حل و فصل نمی‌شود. زمانی که ابعاد مختلف ضعف ساختاری حل و فصل شده و اراده‌ای برای آن شکل گرفت، آن وقت نوبت اقتصاددانان می‌رسد که بیابند و تشریح کنند که بروز و ظهور مافیای اولیگارشی‌ها در اقتصاد ایران با چه اهداف منفعت‌طلبانه‌ای بوده است. آنچه ما باید به بخش‌هایی از ساختار قدرت بفهمانیم این است که استمرار این مناسبات بر یک نظام واژگونه سازی واقعیت‌ها استوار است و بر ملا کردن فریب‌های دربردارنده منافع مافیاهای که بیش از سه دهه است اسمش را بازارگرایی گذاشته‌اند دشوار نیست. یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های این مناسبات این است که وجهه بازارگرایی را هم مخدوش کرده است و من‌آز آن به بازارگرایی مبتذل تعبیر کردم. یعنی تئوری بازارگرایی مثل هر تئوری علمی دیگری به صورت اگر و نگاه ظاهر می‌شود می‌گوید بازار زمانی کار می‌کند که اطلاعات کامل و شفافیت و سطوحی از برابری و امنیت حقوق مالکیت وجود داشته باشد. شما می‌بینید این بازارگرایی در ایران به هیچ یک از پیش‌نیازهای نهادی بازارگرایی نه اشاره می‌کند و نه مطالبه می‌کند.

آیا دولت‌های مختلف این موضوع را درک نکرده‌اند؟ وقتی بیش از ۳۰ سال در این کشور دولتهایی سر کار می‌آیند که در ظاهر و شعارها با دولت‌های رفیق‌زمین تا آسمان متفاوت هستند اما همه از یک بسته سیاستی اقتصادی استفاده می‌کنند، بی‌دلیل و بی‌حساب و کتاب نیست. حساب و کتابش این است که اقتصاد ایران بر محور برخی کوتاه‌نگری‌ها گرفتار یک اتحاد سه‌گانه است. مشخصه کلیدی بخش‌های غیرمولد و رانتی و سوداگر این است که منافع بلند مدت ملی را به سهولت قربانی منافع کوتاه‌مدت می‌کنند و نشو کلاسیک‌های وطنی توجیهات آن مناسبات رانتی را فراهم می‌کنند. بنابراین کاملاً مشخص است

تورم نیروی محرکه همه انواع نابرابری‌هاست. وقتی نابرابری‌ها از حدودی فراتر می‌رود همه عرصه‌های حیات جمعی دچار عدم تعادل می‌شوند. نگاه کنید که همان قدر که الان فقرا و محرومین احساس نااطمینانی دارند ثروتمندان اگر بیشتر احساس ناامنی نداشته باشند کمتر هم ندارند و نشانه‌اش را شما می‌توانید در این برج و باروهای چند لایه و سیستم‌های قفل در و چیزهای عجیب و غریب در برخی مناطق ببینید. در شرایطی که نابرابری‌های ناموجه از حدود متعارف فراتر می‌رود هیچ‌کس امنیت نخواهد داشت. نه ثروتمندان و نه گروه‌های فرودست. این حرف‌ها را کینز می‌زند که منجی نظام سرمایه‌داری است